

تبیین ساختار فضایی بافت محلات شهر، با نگاهی به شهر کرمان*

سلیمان ملک عباسی^۱ - وراز مرادی مسیحی^{۲*} - مصطفی بهزادفر^۳ - آتوسا مدیری^۴

۱. دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۲. استادیار گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
۳. استاد گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.
۴. استادیار گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۱۹ تاریخ اصلاحات: ۱۳۹۸/۰۶/۱۲ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۰۷/۲۲ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۶/۳۱

چکیده

بافت شهر به انواع و اشکال مختلف مورد مباحثه و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. یکی از انواع و اشکال مباحثه، «ساختار فضایی بافت» است. به زبان ساده، ساختار به ویژگی‌ها و عناصری از هر چیز دلالت می‌کند که نبود آن‌ها به معنی نبود یا عدم وجود آن چیز می‌باشد. این مقاله پس از تعریف مفاهیمی چون «فضا و مکان»، به معرفی انواع مکان‌های همگانی شامل «مغایر، میدان و میدانچه، آب کنارها، فلکه، پله راه، پیاده راه، پشت بام‌های عمومی، ورودی (دروازه) شهر و محلات، بوستان و باغ‌های عمومی، فضاهای خالی بین مجتمع‌های مسکونی، راسته بازارها و پاساژها و صحن برخی از مساجد» پرداخته است. اشتراکات و افتراقات واژه‌هایی چون «سازمان فضایی و ساختار فضایی» مورد بررسی واقع شده و عناصر تشکیل‌دهنده ساختار فضایی ارائه شده است. از آن جایی که مکان‌های عمومی کهن (در محلات قدیمی) و فضاهای شهری نو (در محلات جدید)، جزو مهم‌ترین عناصر و اجزای تشکیل‌دهنده ساختار فضایی محلات می‌باشند، تلاش شده تا نقش آن‌ها در شکل‌گیری ساختار فضایی هر یک از محلات درونی، میانی و پیرامونی شهر تبیین گردد و نیز ارتباط یا عدم ارتباط آن‌ها در ساخت کالبدی-فضایی محلات جدید و قدیمی و بالعکس مشخص شود. در طی تحقیقات و بررسی نظرات اندیشمندان پیرامون موضوع، روند انجام پژوهش به این منتج شد که برای پرداخت به موضوع «ساختار فضایی بافت شهر»، بایستی از مسیر معرفی نمایان‌گرهای طراحی شهری گذشت و بر اساس آن برای محلات منتخب از شهر کرمان شاخص‌هایی را در نظر گرفت که بتوان وضعیت ساختاری آن‌ها را با یکدیگر مقایسه نمود. روش پژوهش به صورت توصیفی-تحلیلی بوده و جمع‌آوری اطلاعات از طریق منابع کتابخانه‌ای، اینترنتی و نیز مشاهدات و فعالیت‌های میدانی در شهرهای ایران؛ از جمله کرمان در سال‌های اخیر می‌باشد.

واژگان کلیدی: ساختار فضایی، بافت محلات کرمان، سازمان فضایی، نمایان‌گرهای ساختار فضایی، روش‌های کیفی و کمی.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری شهرسازی نویسنده اول، با عنوان «تبیین الگوی ساختار فضایی محلات؛ مبتنی بر روابط متقابل فضایی مکان‌های عمومی کهن و فضاهای شهری نو-مورد کاوی شهر کرمان» است که در سال ۱۳۹۹ به راهنمایی نویسندگان دوم و سوم و مشاوره نویسنده چهارم در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی انجام شده است.

** E-mail: var.moradi_masihi@iauctb.ac.ir

۱. مقدمه

محلات در شهرها به عنوان پایه‌ای‌ترین مجموعه عمومی منسجم تشکیل‌دهنده شهرها در ایران، از گذشته‌های دور مورد توجه بوده است. عوامل مشخصه تشکیل‌دهنده محلات شامل ابنیه خصوصی - که مهم‌ترین آن‌ها ابنیه مسکونی بوده - و ابنیه عمومی شامل بازار، مسجد، حمام، مدرسه و در مقیاس کلان‌تر شامل کاروان‌سرا، آب‌انبار (و یخدان)، باغ، مقبره و آرامگاه (بعضاً آتشکده)، شفاخانه و برخی ساختمان‌های صنعتی می‌شده‌اند؛ هم‌چنین مکان‌های عمومی در گذشته نظیر میدان‌ها، میدانچه‌ها، ورودی‌ها، گذرها و معابر در کنار راسته بازارها و صحن مساجد موجب گردهمایی و تعاملات اجتماعی ساکنین محلات در شهرهای ایران را فراهم می‌آورد و ساختار و اسکلت‌بندی آن‌ها را شکل می‌داده‌اند.

اکنون محلات جدید نیز در ساخت خود، فضاهای شهری نو نظیر فلکه، خیابان، پاساژها و پارک‌ها را به خود دیده‌اند که ویژگی‌های تعاملاتی و مراودات اجتماعی در آن‌ها نسبت به گذشته از کیفیت نازل‌تری برخوردار بوده و با درآمیختگی با عنصر سواره و اتومبیل، عملاً نقش پیاده و انسان کم‌رنگ‌تر شده است. بدین ترتیب کیفیت فضایی افت نموده و بسیاری از ویژگی‌های مکان‌های عمومی در نامکانی محو شده است؛ لذا نام «فضا» در چنین محلات جدیدی جای «مکان» را گرفته و نقش اجتماعی - فرهنگی محلات، کم‌تر مورد توجه جامعه امروز قرار گرفته است. بنابراین تقابل عناصر فضایی نو با مکانی کهن به جای همسازی، به مشکل یا مسئله تبدیل شده است.

در این راستا این پژوهش در روند مطالعات و مرور محلات کهن و نو شهری مانند: کرمان، ساعی در کسب جواب و پاسخگویی به پرسش‌های اساسی زیر است که از مسائل صدرالذکر برخاسته‌اند:

۱. چه آثاری از مکان‌های عمومی کهن و نیز فضاهای شهری نو واجد ارزش، در شهر کرمان وجود دارند؟ (معرفی مواضع و آثار)؛
۲. مکان‌ها و فضاهای شهری نام‌برده در شکل‌گیری ساختار محلات و بافت شهری کرمان، چه نقشی را ایفا نموده‌اند؟ (موضوعات مؤثر و تأثیرگذار)؛
۳. هم‌چنین در ساخت مکان‌ها و فضاهای شهری، بستر محلات چقدر تأثیرگذار بوده‌اند؟ (اثرات متقابل محلات در ایجاد مکان‌ها/ فضاهای عمومی)؛
۴. چگونه می‌شود از نمایان‌گرها و مؤلفه‌های مطروحه در این پژوهش، جهت تبیین الگوی ساختار فضایی محلات شهر کرمان استفاده نمود؟ (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛
۵. چگونه می‌توان از روابط حاکم میان مکان‌ها/ فضاهای عمومی و محلات شهر، جهت ساماندهی و سازماندهی محلات آسیب‌دیده و نیز ساخت محلات جدید در کرمان، بهره جست؟ (کاربست راهکارها).

۲. اهداف پژوهش

طبیعی است پاسخگویی به سؤالات فوق، علاوه بر تبیین موضوع، هدف پژوهش نیز به حساب می‌آید. در غیر این صورت طرح سؤال غیرضروری می‌باشد.

تدوین و ارائه چشم‌انداز پژوهش و اهداف کلان از آن جهت حائز اهمیت است که تحقیق و فعالیت‌های مرتبط با آن را جهت‌مند می‌سازد. بدیهی است که در روند انجام پژوهش؛ اهداف کلان، در قالب اهداف عملیاتی (خرد) و الگوهای نوشتاری (راهکارهای) سلسله مراتبی و نقشه‌ای پالایش می‌گردد.

۲-۱- اهداف کلان

۱. معرفی کالبدی- فضایی ساختار محلات منتخب شهر کرمان و روابط میان اجزای آن با یکدیگر.
۲. برقراری ارتباط میان فضا، زمان، ریخت، عملکرد، تصور عینی و ذهنی مردم در ساماندهی آمیخته محلات کهن و نو.
۳. توجه به ارتباط یا عدم ارتباط ساخت کالبدی- فضایی فضاهای شهری در محلات جدید با مکان‌های عمومی در محلات کهن کرمان.

۲-۲- اهداف عملیاتی (خرد)

۱. معرفی محلات اصیل و هویت‌مند کهن و نو کرمان و مقایسه نمودن ساختار فضایی آن‌ها با یکدیگر؛
۲. تلاش جهت همگام نمودن جریان توسعه کالبدی- فضایی مکان‌ها/ فضاهای عمومی با بستر مرتبط با آن (محلات) (پیوند متن و فرامتن- زمینه و پس‌زمینه)؛
۳. فراهم نمودن شرایط ارتقاء خوانایی و وضوح ساختاری محله‌های سنتی و محله‌های جدید شهر کرمان و تقویت تصویری ماندگار از شهر؛
۴. تقویت آرایه‌های زیبایی‌شناسانه در اجزاء و ارکان فضای کالبدی حوزه‌های عمومی محلات کرمان؛
۵. ارائه راهکارهای مناسب به منظور کنترل و هدایت جریان توسعه کالبدی- فضایی محله‌های جدید شهر کرمان؛
۶. حداکثر انطباق راهکارهای پیشنهادی با واقعیات کنونی عرصه ساخت محلات شهر کرمان.

۲-۳- ضرورت انجام پژوهش

با ارائه بیان مسأله و اهداف پژوهش، توجه و رویکرد حاکم در پژوهش، ضرورت‌های تحقیق نیز عیان شده است. در این راستا باید اذعان نمود که محله‌ها در هر شهر، حکم هویت کالبدی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آن شهر را دارند و از مهم‌ترین ارکان ساخت هر شهری محسوب می‌گردند.

این که چرا کیفیت فضایی- عملکردی محلات امروز شهرهای ما دچار افت ماهوی شده است، و چگونه می‌توان

مکان، «اثرگذاری متوسط» و جنبه ادراکی سازنده مکان، «کمترین نقش» را در ساختار فضایی محلات دارند. به عبارت دیگر، بخش ماهوی ابعاد طراحی شهری، بر بخش رویه‌ای آن غالب می‌باشد.

۶. روش پژوهش

یکی از مهم‌ترین قسمت‌های پژوهش، تعیین روش و ساختاری است که به کمک آن پژوهش به انجام می‌رسد. در اتخاذ این روش، مهم‌ترین مسئله، رویکرد آن نسبت به موضوع پژوهش است. چرا که رویکرد پژوهش حکم جهت‌گیری در قبال موضوع را دارد و چنانچه این جهت‌گیری دقیق نباشد یا وضعیت آن تدقیق نگردد، نمی‌تواند پژوهش را به سمت خاصی هدایت نماید.

در این خصوص، سه رویکرد و دیدگاه به کار بسته می‌شود: رویکرد اول که کمیت محور است و برنامه‌ریزانه نام دارد، به بافت شهر، مکان‌های شهری و انسان اساساً به مثابه اندازه، عدد و یا ابعاد می‌نگرد.

رویکرد دوم که کیفیت محور است و طراحانه نام دارد، مکان‌های عمومی/فضاهای شهری را و روابط یا سامان آن را در کیفیت و اهمیت به انسان می‌بیند. ذکر این نکته ضروری است که هر یک از این دو دیدگاه، رویکرد دیگر را نیز مد نظر دارد، لیکن جنبه غالب نگرش به موضوع، برنامه‌ریزانه یا طراحانه است.

رویکرد سوم پرداخت به هر دو مقوله کمی و کیفی را ضروری می‌داند. از این رو، هر یک از دو دیدگاه اول و دوم را می‌توان در دسته نگرش فروکاهنده (حصری) و دیدگاه سوم را نوعی نگرش اشمالی (فراگیر) به حساب آورد. انحصار نقش بافت شهری به عدد، اندازه و ابعاد جزو دسته اول و فروکاهش نقش آن‌ها به کیفیت صرف، در دسته دوم جای می‌گیرد.

این نقیصه و معضل را برطرف نمود و نمونه‌های هویت‌مند گذشته را حفظ کرد و از تجارب گذشتگان بهره جست، ضرورت پرداخت به این موضوع و این مواضع را روشن می‌سازد.

۴. پیش‌فرض‌های پژوهش

پیش‌فرض‌های مطروحه در این تحقیق عبارت‌اند از این که:

- مکان‌های عمومی کهن و فضاهای شهری نو در کرمان نقشی انکارناپذیر در شکل‌گیری بخش مهمی از ساختار کالبدی-فضایی محلات آن دارند.

- بستر محلات شهری کرمان نیز در استقرار مکان‌ها/فضاهای عمومی تأثیرگذار می‌باشند.

بر این اساس، "متغیر مستقل" در این پژوهش، بستر محلات منتخب شهر کرمان و مکان‌های عمومی کهن/فضاهای شهری نو موجود در آن‌ها می‌باشد. "متغیر وابسته" در ارتباط یا عدم ارتباط میان ساخت کالبدی-فضایی محلات جدید شهر با محلات قدیم آن تعریف می‌گردد.

بدین ترتیب با ارائه پیش‌فرض‌ها، پژوهش به سمت فرآیند انجام آن و اثبات فرضیه رهنمون می‌گردد.

۵. فرضیه پژوهش

به نظر می‌رسد ابعاد، مؤلفه‌ها و نمایان‌گرهای طراحی شهری، که با نام مؤلفه‌های کارکرد (عملکرد، فعالیت)، دسترسی، ادراک، بصری، اجتماع (و فرهنگ)، ریخت، فضا، زیست بوم، زمان، شهود و مدیریت مطرح می‌شوند، در تبیین ساختار فضایی محلات کرمان؛ خصوصاً «جنبه نقش‌انگیزی و نقش‌پذیری» آن ارتباط مستقیم، معنادار و اثرگذار داشته باشند. بدین صورت که جنبه کالبدی سازنده مکان، «بیشترین اثر»، جنبه فعالیت‌ی سازنده

جدول ۱: رویکردهای پیرامون مطالعات بافت شهری

رویکرد فروکاهنده	عرصه عمومی مکان‌های عمومی و انسان	←	کمیت
رویکرد فروکاهنده	عرصه عمومی مکان‌های عمومی و انسان	←	کیفیت
رویکرد اشمالی	عرصه عمومی مکان‌های عمومی و انسان	←	کمیت و کیفیت

جایی که میان معیارها یا سنج‌های مؤلفه‌های ساختار فضایی ارتباط معنایی حاکم است، از تکنیک ANP برای وزن‌دهی ساختار فضایی محلات منتخب بهره برده شد. در نهایت از تکنیک Factor Analysis به جهت تعدیل و دسته‌بندی معیارها (سنجه‌ها)ی هم ارزش و هم‌بسته استفاده گردید.

شیوه تحقیق از نوع تحقیقات «میدانی-اکتشافی» بوده و بر پایه مطالعات، دستاوردها و ساخت‌مابه‌های عینی و ملموس از مجموع استنتاجات و احکام مفهومی و کاربردی

روشی که برای پژوهش حاضر در نظر گرفته شده است، بر مبنای مطالعه و بازشناسی دقیق ادبیات موضوع شامل شیوه‌های مرور، بازبینی و بازنگری کیفی مفهوم ابعاد طراحانه در بافت شهری کرمان است که به «روش تحلیل موضوعی» به صورت جداول و ماتریس‌های تطبیقی و مقایسه‌ای ارائه شده است. عمده نتایج و احکامی که به صورت کمی استخراج می‌گردد، با روش تحلیلی-ارزبابانه جهت وزن‌ها و رتبه‌های هر یک از مؤلفه‌های ساختار فضایی با استفاده از تکنیک AHP سنجش می‌گردد. از آن

محدود و بسته آن و نیز ویژگی‌های منحصر به فرد هر یک از محلات نسبت به دیگری است که پژوهشگر را در نیل به اهداف پژوهش هدایت‌گر می‌باشند. هم‌چنین انتخاب محلات جدید بر اساس معیارهایی بوده که هر یک را از دیگری تمیز داده و آن را در سطح شهر شاخص می‌نماید.

۸. پیشینه پژوهش

مرور سوابق و مطالعات صورت‌گرفته در خصوص تبیین شیوه‌ها و روش‌های بررسی و تحلیل بافت شهرهای ایران، به طرق مختلفی انجام گرفته است. در شیوه متداول، پیش‌تر به مطالعات پیرامون «استخوان‌بندی بافت» یا «سازمان فضایی» شهرها و محلات آن پرداخته شده است. علی‌رغم شباهت‌های هر کدام از این موارد، تفاوت‌های ماهوی نیز در آن‌ها وجود دارد.

توجه به موضوع این پژوهش، یکی از به روزترین و مهم‌ترین موضوعات در ارتباط با محلات و ارتباط اجزای تشکیل‌دهنده ساختاری آن می‌باشد و در دنیا مطالعات مناسبی پیرامون آن انجام گرفته است. در مجموع در ایران و شهر کرمان، با اقلیم، مذاهب، تاریخ، فرهنگ‌های متنوع، جمعیت و سیاست‌اش، این موضوع از این نگاه کار نشده و موضوع به این مهمی، در میان سایر ابعاد مطالعاتی محلات شهری، مهجور و مغفول مانده است.

«نمونه‌های موردی بافت محلات کرمان» استوار می‌باشد. لذا روش جمع‌آوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و میدانی بوده است؛ با این توضیح که با استفاده از متون تخصصی مرتبط و شرایط ویژه نمونه‌های موردی و تطابق آن با یکدیگر، این پژوهش تدوین گشته است. روش‌های تحلیلی در پژوهش پیش‌رو، شامل مشاهده، مصاحبه و آنالیز مدارک می‌باشد. شیوه مشاهده از طریق رفتارشناسی و مشارکت در پژوهش صورت پذیرفته است.

۷. جامعه آماری پژوهش

از آن جا که موضوع و مواضع پژوهش در بافت شهری کرمان و محلات آن انجام گرفته است، لذا جامعه آماری شامل مواضع ذیل خواهد بود:

- محدوده بافت کهن کرمان، (محدوده شهر در دوره قاجاریه- بافت درونی) به عنوان حوزه مداخله مستقیم؛ به مساحت ۲۰۰ هکتار؛

- دو محله در حوزه پیرامونی بلافصل (بافت میانی)، محله زریسف؛ به مساحت ۳۶ هکتار و محله کوچه ماهانی؛ به مساحت ۴۴ هکتار؛

- دو محله در حوزه فراگیر (بافت بیرونی)، محله شهید باهنر، به مساحت ۸۰ هکتار و هوشنگ مرادی کرمانی، به مساحت ۷۵ هکتار.

دلیل انتخاب محدوده قاجاری شهر کرمان، سطح نسبتاً

شکل ۱: نمایی از شهر کرمان و موقعیت جامعه آماری پژوهش



۹. «فضا»^۱ و «مکان»^۲

می‌گردد و محدودیت و محصوریتی بر فضا مترتب می‌شود که آن را از فضائیت خالص بدور می‌دارد. آن‌چه که از این طریق بر جای می‌ماند، «مکان» است؛ نه فضا. ولی در ادبیات معماری و شهرسازی، قرن‌ها است که مسامحتاً واژه

فضا گستره‌ای خالی است که در نمود بی‌کرانگی با نفس خالی بودن، ساختار پیدا می‌کند. هنگامی که خالی بودن از طریق اشغال توده خدشه‌دار می‌شود، بی‌کرانگی خدشه‌دار

توجه فلسفه، ریاضیات و فیزیک است (مدنی پور ۱۳۷۹، ۹). البته در این جا بیش تر در بر گرفتن فضا مورد توجه است تا فضا. «برونو زوی» فضا را ذات معماری می داند: "تماها و دیوارهای یک خانه، کلیسا یا کاخ اهمیتی ندارد که چه قدر زیبا باشند؛ تنها ظرفیت آنها را می داند. دیوارها به جعبه شکل می دهند؛ نهاد و مظهر فضا داخلی است." این مفهوم هنوز هم مقبولیت عام دارد. برای مثال، به گفته «وان در لان»، "فضای معماری با برافراشتن دو دیوار پا به عرصه وجود می نهد؛ فضایی جدید میان خود پدید می آورد و از فضای طبیعی پیرامون آن ها مجزا می شود."

«زوی» از همین تعریف برای فضای شهری پیروی می کند؛ جایی که خیابان ها، میدا، پارک ها، زمین های بازی و باغ ها، همگی «فضاهایی خالی» اند که محدود شده اند یا طوری تعریف شده اند که فضایی محصور را پدید آورند (همان، ۱۰).

شکل ۲: فضای انتزاعی حاصل از شهرسازی مدرن



(<https://upload.wikimedia.org/wikipedia>)

(دسترسی در ۱۳۹۶/۱۰/۱۶)

فضا به جای مکان به کار می آید. با پذیرش این که فضا ذات مکان و ذات طراحی است، ایراد عمیقی بر این روند کاربردی مترتب نیست. بافت و بافتار، بدون توجه به موجودیت توده و هر بعد دیگری که در فضا جای می گیرد، معنی دار نمی شود. لذا در عمل، وقتی سخن از ساختار فضایی بافت به میان می آید، به «مکان» اشاره می شود. مکان ها می توانند از یک سلول کوچک باشیدن تا کل هستی را شامل شوند (ملک عباسی ۱۳۹۸، ۱۳).

۹-۱- تعریف واژه «فضا»

«برنارد چومی» به ما یادآور می شود که دو رویکرد در تعریف فضا وجود دارد:

۱- «متمایز ساختن فضاست»: بعدی تجویزی که هنر و معماری متوجه آن اند.

۲- «بیان ماهیت دقیق فضاست»: بعدی توصیفی که مورد



(<https://tabriz.airport.ir>)

(دسترسی در ۱۳۹۶/۱۰/۱۶)

بدین ترتیب، آن چه می توان از «فضا» و تعریف آن در این مقوله بیان نمود، عبارت اند از: "فضا، عرصه و گستره ای لایتنای و نامتناهی است که عاری از هر گونه فعالیت و تعاملات اجتماعی باشد."

۹-۲- تعریف واژه «مکان»

به عکس «فضا» که با وجود ابعاد، زمان، معنی و فعالیت ظاهر می شود، برای ظهور «مکان» وجود عوامل عدیده مربوط به انسان از جمله مالکیت، عملکردی ویژه یا خاطره ای جمعی نیز ضرورت دارد. علاوه بر آن، در مقایسه و وسعت این دو تعبیر می توان گفت که وسعت مکان معمولاً محدودتر از وسعت فضا است. «راضیه رضازاده» بیان می دارد "به عکس فضا که آن را پدیده ای جهانی می پندارند، مکان مفهومی انسانی است که به معنا توجه دارد." «هایدگر» معتقد است "مکان، به جنبه عمیق و پیچیده تجربه انسان" تعبیر می گردد. برخی مواقع نیز ضمن تأکید بر این که «مکان»، فضایی تجربه شده است، رابطه انسان و مکان را دوطرفه می دانند

و به عبارت دیگر، برای انسان و مکان تأثیر متقابل قائل اند. «گیدنز» "مکان را فضای ساختار یافته تلقی می کند" و جغرافی دانان بر پایه این نظر، "مکان را فضایی می دانند که متشکل از روابط اجتماعی و در عین حال، تشکیل دهنده آن است." در عین حال، برخی بر ضد این نظرات قایل بوده و به "ذهنی بودن مکان و عینی بودن فضا" معتقد هستند: "اگر فضای مورد اشاره، تداعی هایی در ذهن فرد ایجاد کند، خاطراتی زنده نماید یا برایش معنای خاصی داشته باشد، از پدیده ای عینی به موجودی ذهنی بدل شود، جای خود را در رده ذهنیت او باز می کند و مکان نام می گیرد" (نقی زاده ۱۳۹۲، ۴۴-۴۲). "در حالی که فضا را گستره ای باز و انتزاعی می بینیم، مکان بخشی از فضا است که به وسیله شخص یا چیزی اشغال شده است و دارای بار معنایی و ارزشی است" (مدنی پور ۱۳۷۹، ۳۲). «بحرینی» معتقد است: "صحنه ای که فعالیت های عمومی زندگی شهری در آن ها به وقوع می پیوندد. خیابان ها، میدا، پارک های یک شهر فعالیت های انسانی را شکل می دهد." «حبیبی و مقصودی»

است و آن چه منظور از عرصه عمومی در شهرها می‌باشد، همان «مکان شهری» نام دارد. به دلیل وجود اختلاف نظر در بین صاحبان نظر، پیرامون مصادیق مکان‌های شهری که در منابع مکتوب و غیرمکتوب بیش‌تر با عنوان «فضاهای شهری» عنوان می‌گردد، انجام مطالعات میدانی برای تعیین مصادیق مکان‌های عمومی برای شهرهای ایرانی به طور جداگانه ضرورت دارد. در ایران سنتی، از دیرباز مکان‌هایی چون شاهراه، گذر، راه، معبر، شارع عام، بن‌بست، میدان، میدانچه، خیابان، کوچه‌باغ، حسینیه، تکیه، خانقاه، بازار، جلوخان و غیره به عنوان عرصه‌های عمومی مطرح بوده است. در این نوشتار، انطباق این مکان‌ها با نیازهای امروز،

به صورت مواضع دوازده‌گانه ذیل مطرح می‌گردد:

۱. راسته بازارها/پاساژها، ۲. فضاهای خالی بین مجتمع‌های مسکونی، ۳. معابر و مسیرها، ۴. میدان‌ها و میدانچه‌ها، ۵. فلکه‌ها، ۶. کناره‌های آب یا آب کناره‌ها، ۷. پله راه‌ها، ۸. پیاده راه‌ها، ۹. بام‌های عمومی، ۱۰. دروازه‌ها/ ورودی‌ها (شهر/ محله)، ۱۱. پارک‌ها/ باغ‌های عمومی، ۱۲. صحن برخی مساجد.

نگارنده در پژوهش‌های خود در شهرهای ایران و شهر کرمان به این نکته دست یافته که میان محلات کهن و جدید، تعاملات کالبدی، فعالیتی و معنایی وجود داشته است. با تقسیم‌بندی محلات بر اساس قدمت، می‌توان سه مرحله را در شکل و ساخت شهر در نظر گرفت:

۱. حوزه درونی شهر- محدوده بافت کهن (محدوده شهر در دوره قاجاریه)؛
۲. حوزه میانی شهر (ساخت شهر در دوره پهلوی اول و دوم)؛
۳. حوزه پیرامونی شهر (گسترش شهر در دوره جمهوری اسلامی).

اذعان می‌دارند: «مکان، وقایع و حوادثی که نقش خلاق در پیوند امروز با فردا [آرد] را سامان می‌دهد. این فضا دربرگیرنده چهار عنصر اساسی: ساکنان یا عابران، عناصر انسان ساخت (کالبدی یا فعالیتی)، روابط (میان افراد و عناصر یا میان عناصر) و زمان می‌باشد». «جهانشاه پاکزاد» معتقد است: «محل برقراری تعاملات اجتماعی که باز عمومی باشد». «توسلی و بنیادی» می‌گویند: «فضای دارای ارزش». «لینچ و کریر» گویند: «صحنه‌ای که داستان جمعی در آن گشوده می‌شود»، «محل برخوردهای از پیش تدوین‌نیافته»، «وضوح ویژگی‌های هندسی و کیفیت‌های زیباشناختی» (نقی‌زاده ۱۳۹۲، ۳۹).

تأکید و تأیید جملگی محققینی که در مورد مکان شهری تعاریفی دارند، بر جنبه «عمومی بودن فضا و سروکار داشتن آن با زندگی عمومی و دسترسی عمومی» اذعان دارند. عموماً واژه «فضا» و «مکان» را با هم به کار می‌برند و تمایز خاصی برای آن‌ها قائل نیستند؛ لیکن آن چه در این نوشتار از «مکان» مورد استناد قرار دارد، بستر و عرصه‌ای است که دارای ویژگی‌های ذیل باشد:

۱. در مجموعه سکونت‌گاهی انسان‌ها (شهر یا روستا) است؛
۲. دارای محصوریت فضایی باشد؛
۳. فعالیت‌های گوناگون اجتماعی در آن رخ دهد (بیش از دو فعالیت)؛
۴. حضورپذیری اجتماعی به گونه‌ای باشد که همه اقشار جامعه با هر جنس، سن و گرایش‌ات و عقاید گوناگون بتوانند از آن استفاده کنند؛
۵. آن فضا ۲۴ ساعته فعال باشد (فعالیت شبانه روزی) (ملک عباسی ۱۳۹۸، ۱۱).

در واقع، کاربست واژه «فضای شهری» غلط مصطلحی است که در میان جامعه معماری و شهرسازی ایران جای گرفته

شکل ۳: حوزه‌های تشکیل‌دهنده ساخت شهر کرمان



(ملک عباسی ۱۴۰۰، ۴۰)

ذهن طبق آن، شهر را ادراک می‌کند. در واقع سازمان فضایی سیستمی است که تصور ذهنی شهروندان از شهر طبق این سیستم در طول تاریخ و تحت اثر شرایط جغرافیایی، اقلیمی، تاریخی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و غیره شکل گرفته است.

"سازمان فضایی همان محتوا، موضوع، معنی و مفهومی است که در شهر نهفته است و دارای خصلتی دوگانه می‌باشد، عینی و ذهنی". جنبه‌های عینی و ذهنی یک پدیده در کنار یکدیگر زندگی نمی‌کنند، بلکه در هم عجین هستند. عنصر زیباشناختی یک اثر نه فقط در فرم آن که در محتوای آن نیز وجود دارد. جهت تطبیق دوگانه فرم و محتوا با تقسیمات معمارانه یک پدیده، می‌بایست ظاهر آن پدیده را «فرم» و عملکرد و معنای آن را «محتوا» نامید. فرم و عملکرد به جنبه‌های عینی باز می‌گردند؛ در حالی که معنا ابعاد ذهنی را در برمی‌گیرد.

"استخوان‌بندی شهر" مجموعه‌ای است مرکب از یک ستون فقرات و شبکه‌ای به هم پیوسته از کاربری‌ها و عناصر مختلف و متنوع شهری که شهر را در کلیت آن انسجام می‌بخشد و تار و پودش در همه گستره شهر تا انتهاترین اجزای آن یعنی محله‌های مسکونی امتداد می‌یابد. این مجموعه، شالوده سازمان فضایی کالبدی شهر و اجزای داخلی آن بوده و مبین خصوصیات کلی شهر است و سایر ساختمان‌ها در شهر همانند پرکننده‌ها، بینابین بخش‌های اصلی این شبکه را می‌پوشانند" (حمیدی و دیگران ۱۳۷۶، ۱).

"استخوان‌بندی شهر را «اسکلت، ساختار یا اندام شهر» نیز می‌گویند. چرا که با مطرح ساختن موارد فوق، در حقیقت طرح‌واره و چارچوب اجزای تشکیل‌دهنده شهر نمایان می‌شود".

ساختار، اسکلت یا اندام هر شهر، از اجزاء کالبدی ذیل تشکیل شده است:

- سلسله مراتب دسترسی و شبکه راه‌ها؛
- فضاهای شهری مهم؛
- ساختمان‌ها و ابنیه عمومی مهم (عباس‌زادگان ۱۳۸۶).

هر زمان که ساختار شهری را در بعد سوم یا فضا مورد مذاقه قرار دهند؛ هم‌چنین زمانی که بافت را با اجزای نمایان‌گرهای طراحی شهری در هم بیامیزند، ساختار کالبدی شهر به «ساختار فضایی» تغییر ماهیت می‌دهد.

"در واقع ساختار فضایی، زیرمجموعه‌ای از سازمان فضایی است که به صورت ملموس‌تر، کالبدی‌تر و خاص‌تر مطرح می‌گردد". هر چند که در برخی منابع و گزارش‌ها، برای معرفی استخوان‌بندی شهرها از هر دو مفهوم استفاده شده است.

بدین ترتیب، ساختار محلات سنتی (درونی) شهر کرمان عبارت‌اند از:

۱. دروازه شهر/ محله، ۲. میدان/ میدانچه، ۳. بازار، ۴. مکتب (مدرسه)، ۵. معابر و گذرها، ۶. مسجد، تکیه و حسینیه، ۷. حمام سنتی، ۸. ابنیه مسکونی/ خانه باغ‌ها، ۹. آب انبار/

۱۰. معرفی سازمان و ساختار فضایی - اشتراکات و افتراقات

سازمان فضایی و ساختار فضایی هم از جمله واژه‌هایی هستند که تعریف مشخص و دقیقی برای آن ارائه نشده است؛ یا به عبارت دیگر به هنگام ارائه آن (به صورت نقشه)، هر حوزه و موضعی، برای خود سازمان یا ساختار منحصر به فردی دارد. حتی کاربست این واژه‌ها، گاهی به جای یکدیگر بوده است؛ یعنی برخی از صاحب‌نظران تفاوتی میان سازمان و ساختار قائل نبوده‌اند. از آن جا که موضوع اصلی پژوهش بر اساس ساختار فضایی محلات شهر کرمان است، ارائه تعاریف گوناگون از جانب صاحبان نظر؛ هم‌چنین انتخاب تعریف و مرز مشخص، ضروری بوده است.

"سازمان" به مجموعه‌ای از اجزا و عناصر گفته می‌شود که بنا به نیل به هدفی (ایجاد تحول و تغییر وضع موجود و نایل شدن به وضع مطلوب)، در دوره‌ای معین و بر اساس منابع و امکانات محدود گرد هم آمده‌اند (شبیخه ۱۳۸۶).

"سازمان فضایی" نه به عنوان یک نظم ثابت؛ بلکه به عنوان فرآیند دائمی نظم‌یابی در درون فرآیندهای فرهنگی، طبیعی، زمانی و مکانی تعریف می‌شود. بنابراین سازمان‌یابی فضا فرآیندی آکنده از عدم قطعیت، تباین و مغایرت بوده و در آن هیچ چیز برای همیشه ثابت نیست. بر اساس این طرز تلقی، ارائه تصویری از سازمان فضایی را می‌توان "تلاش برای معرفی عناصر ساختاری سازمان در یک برش زمانی مشخص" دانست. عناصر ساختاری از سرعت، عمق، تغییر و تحول کم‌تری برخوردار بوده و برای تبیین سازمان فضایی، ثبات و قدرت بیش‌تری دارند.

از نظر «ماتیو کرمنوا»، در طراحی مجتمع‌های زیستی، مقیاس فضایی شبکه ارتباطی و شکل اقامتگاه‌ها، فراخور مقیاس مشخص سایت در نظر گرفته شوند. چگونگی ترکیب فضای عمومی و محیط‌های طبیعی و مصنوع نیز از نکات کلیدی است (Matthew, Nick, and Sarah 2001).

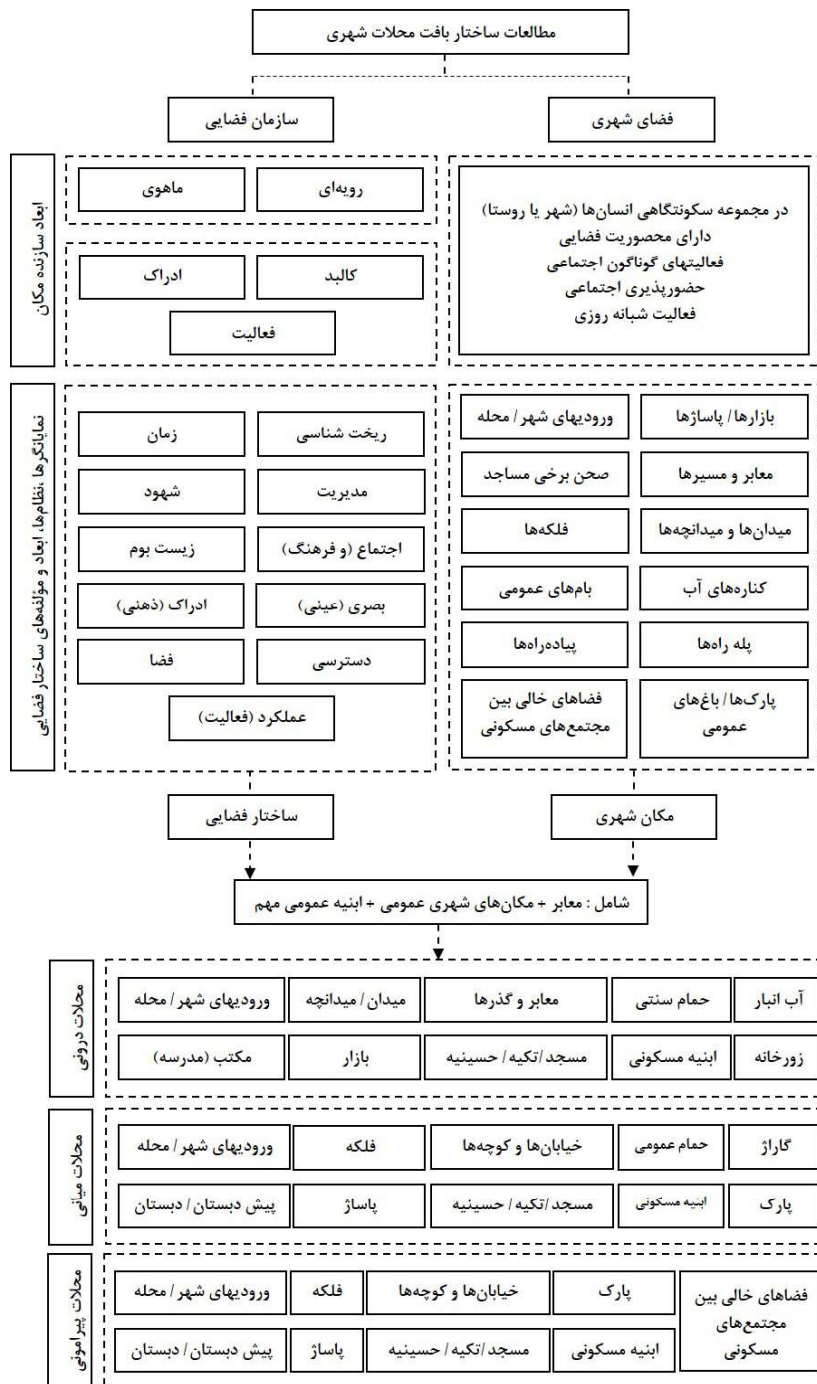
در برنامه‌ریزی و تحلیل فضایی عاملی خاص در یک محیط، به ابعاد هندسی آن عامل توجه می‌شود و ارزش‌گذاری خاصی انجام نمی‌گیرد.

"سازمان فضایی" یک مفهوم ذهنی است. همان‌طور که می‌دانیم موجودی به نام شهر در جهان خارج وجود ندارد. آن چه هست، خیابان‌ها، میدان‌ها و ساختمان‌ها هستند که گرد هم جمع شده‌اند. ذهن برای ساخت مفهوم شهر به عنوان یک کل^۳، نیازمند سیستمی است تا تحت آن رابطه‌ای منطقی بین ادراکات خود از عناصر موجود در محیط برقرار کند. به عبارتی دیگر، می‌توان گفت برای شناخت سازمان فضایی یک شهر باید ابتدا به شناسایی محدوده شهر، اسکلت و استخوان‌بندی کلی شهر و اتصالات اصلی و عمده آن پرداخت و سپس نحوه تعامل شبکه ارتباطی شهر با اجرام ساختمانی آن را بررسی کرد (الکساندر و چرمایف ۱۳۷۳، ۵۷).

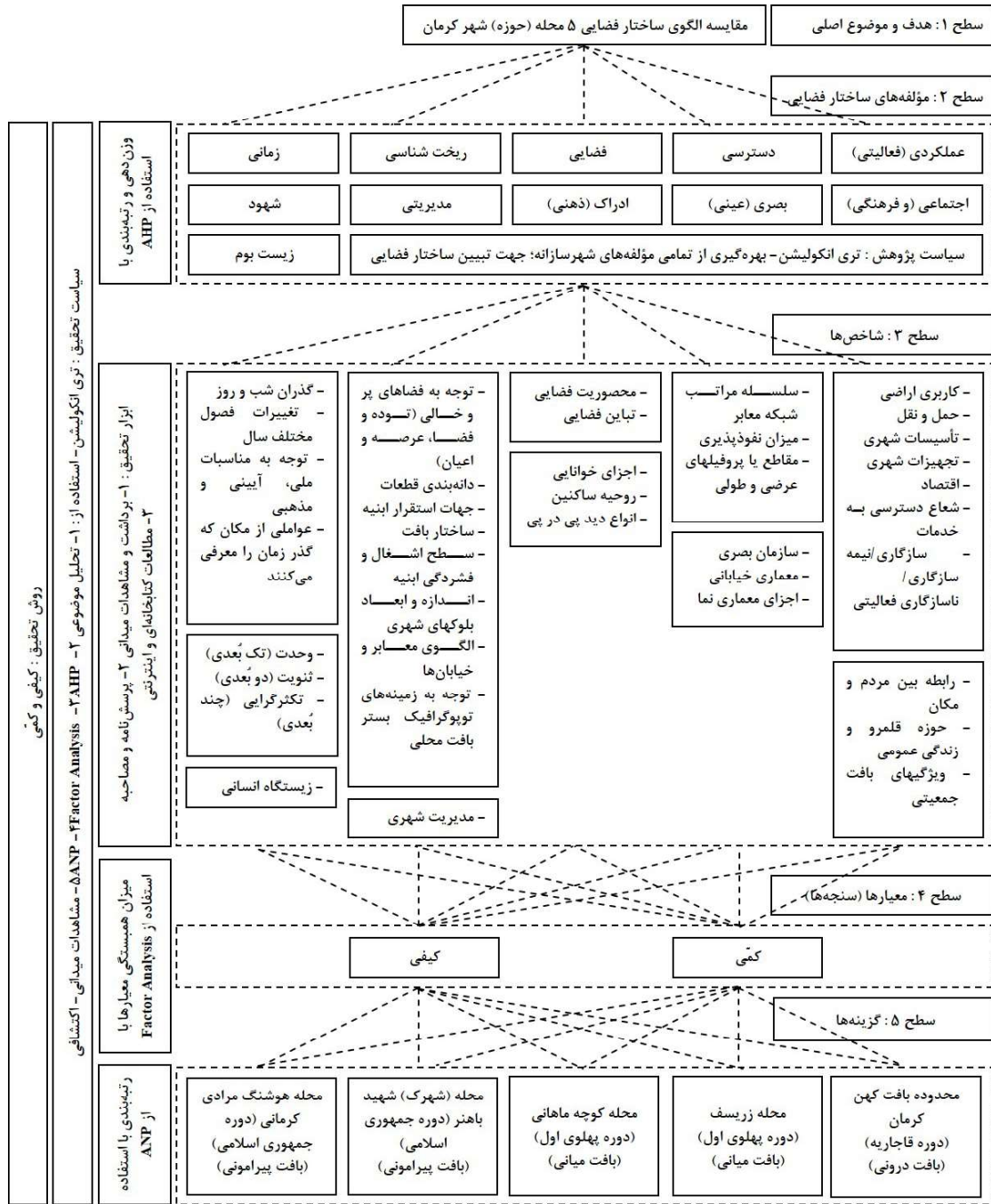
"سازمان فضایی شهر همان سیستم یا سازمانی است که

- بخدان و ۱۰. زورخانه.
- ساختار محلات میانی شهر کرمان عبارت اند از:
۱. ورودی‌های شهر، ۲. فلکه، ۳. پاساژ، ۴. پیش‌دبستان / دبستان، ۵. خیابان‌ها و کوچه‌ها، ۶. مسجد، تکیه و حسینیه، ۷. پارک / باغ ملی، ۸. ابنیه مسکونی، ۹. حمام عمومی و ۱۰. گاراژ.
- عبارت اند از:
۱. ورودی‌های شهر، ۲. فلکه، ۳. مال، ۴. پیش‌دبستان / دبستان، ۵. فضاهای خالی بین مجتمع‌های مسکونی، ۶. مسجد، تکیه و حسینیه، ۷. بوستان، ۸. ابنیه مسکونی، ۹. خیابان‌ها و کوچه‌ها و ۱۰. پایانه. که در واقع ترکیبی از معابر، مکان‌های شهری عمومی و ابنیه عمومی مهم می‌باشد.
- هم‌چنین، ساختار محلات جدید (پیرامونی) شهر کرمان

شکل ۴: چارچوب نظری پژوهش



شکل ۵: فرآیند روش شناسی پژوهش



۱۱. یافته‌های پژوهش

از آن جایی که سیاست پژوهش بر پایه «روش مثلث‌بندی»^۴ می‌باشد؛ بدین معنا که برای رسیدن به اهداف پژوهش از چند طریق و راه بهره‌گیری می‌گردد تا راهکارها - به طور متوسط - پژوهشگر را به سمت مقصد رهنمون گردانند، در این بخش دستاوردهای ناشی از این طی طریق ارائه

گردیده است.

۱۱-۱- یافته‌های تحلیل موضوعی

«ساختار فضایی بافت شهر» برای تبیین، نیازمند بهره‌گیری از نمایان‌گرهایی است که به طور مستقیم یا غیرمستقیم نقش خود را در زمینه مکان‌های شهری ایفا

نموده‌اند.

یعنی مکان‌هایی که:

- دارای ارزش‌های معمارانه و زیبایی‌شناسانه هستند؛
- شکل و ابعاد فضا (مکان)، تداوم و ارتفاعات بدنه، تناسبات آن‌ها و کفسازی، مهیای انجام فعالیت عمومی است؛
- امکانات، مبلمان و چیدمان فضا، به انجام فعالیت‌های عمومی (بیش از دو فعالیت) کمک می‌کند؛
- فعالیت‌های عمومی متنوع در آن شکل گرفته است؛
- و درک و دریافت انسان را از زندگی و هستی ارتقاء داده و وی را انسان بهتری می‌نماید.
- چنین مکان‌هایی در گذر زمان، دارای «شخصیت» و پس از آن دارای «تعلق خاطر، حس تعلق، تعلق مکانی یا هم‌پیوندی» می‌گردند. در حالت کمال‌یافته، این مکان‌ها «رنگ تعلق یا قلمروگرایی» به خود گرفته و مهر انحصاری استفاده از مکان را بر پیشانی‌اش از جانب مردم خواهد دید. جهت تحقق بهتر چنین مطلوبی، یازده نمایان‌گر، نظام، بعد و مؤلفه شهرسازانه به صورت مشاهدات میدانی و تهیه پرسش‌نامه‌هایی از مردم و مدیران شهری مطالعه گردیده و در قالب تحلیل موضوعی، توصیف گردیده‌اند. جنس و ماهیت این ابعاد از جنس ابعاد سازنده مکان می‌باشد:
- نمایان‌گرهای دسترسی، بصری (منظر عینی)، ریخت‌شناسی و فضایی از جنس کالبد (فیزیک)؛
- نمایان‌گرهای ادراکی (منظر ذهنی)، زمانی، مدیریت و شهود از جنس ادراک (ذهن)؛
- نمایان‌گرهای عملکردی، اجتماعی (و فرهنگی) و زیست‌بوم از جنس فعالیت (رفتار).

۱۱-۱-۱-۱-۱-۱ مؤلفه و بعد عملکرد

- در رتبه‌بندی محلات شهر کرمان در مؤلفه عملکردی، محله (شهرک) شهید باهنر رتبه اول، محله هوشنگ مرادی کرمانی رتبه دوم، محدوده بافت کهن رتبه سوم، محله زریسف رتبه چهارم و محله کوچه ماهانی رتبه پنجم را به خود اختصاص داده است.
- نتیجه می‌شود محلات جدید در شهر کرمان، کاراتر، کاربردی‌تر و روزآمدتر می‌باشند. هر چند اگر در زمینه‌هایی چون وجود پتانسیل‌هایی برای عبور راحت پیاده، موارد طراحی معمارانه و شهرسازانه محیط و مطابق با اقلیم، همبستگی‌های اجتماعی، انسانی‌تر بودن مکان/ فضا و میزان دریافت برخی خدمات عمومی، نارسایی‌هایی نیز در محلات جدید شهر وجود داشته باشد.
- محلات کرمان در موارد زیر (در این مؤلفه) با هم اشتراک دارند:
- ۱. فاصله کم میان خانه و محل کار: به دلیل کوچک یا متوسط بودن اندازه شهر.
- ۲. صرفه‌جویی‌های انرژی: با نمره‌ای که محلات شهر گرفته‌اند، نشان می‌دهد کاربست تکنولوژی در صرفه‌جویی

انرژی مؤثر بوده و نیز گونه‌شناسی ابنیه سنتی نیز سعی در حفظ منابع انرژی داشته است. ولی در مجموع فرهنگ استفاده صحیح از انرژی‌های تجدیدناشدنی در شهر کرمان بالا نیست.

۳. دسترسی به اینترنت: خدمات‌رسانی اینترنتی در کل شهر تقریباً یکسان می‌باشد.
۴. هماهنگی میان فعالیت‌های محله: از آن جایی که غالب فعالیت‌ها در محلات شهر با هم سازگار می‌باشند، لذا بعد سکونتی و آرامش آن غالب بر سایر فعالیت‌ها بوده است.
۵. دریافت خدمات عمومی سبز تفریحی: در محلات شهر، کم‌تر محله‌ای به چشم می‌خورد که فاقد فضای سبز تفریحی باشد. این نقیصه در قسمت‌های سنتی شهر وجود دارد.

۱۱-۱-۲-۱ مؤلفه و بعد دسترسی

- در رتبه‌بندی محلات شهر کرمان در مؤلفه دسترسی، محله زریسف رتبه اول، محدوده بافت کهن رتبه دوم، محله (شهرک) شهید باهنر رتبه سوم، محله کوچه ماهانی رتبه چهارم و محله هوشنگ مرادی کرمانی رتبه پنجم را به خود اختصاص داده است.
- نتیجه می‌شود مدیریت شهری در کرمان متوجه ساخت معابر سواره است و کم‌تر به کیفیت پیاده‌روها یا احداث معابر دوچرخه یا ایجاد پیاده‌راه در شهر توجه می‌کند. در معابر سواره نیز، استانداردها، مبلمان و تجهیزات فضا آن چنان رعایت نشده است.
- محلات کرمان در موارد زیر (در این مؤلفه) با هم اشتراک دارند:
- ۱. کیفیت ساخت پیاده‌روها/ پیاده‌راه‌ها: جز «محور بازار سنتی شهر و محور قدمگاه» در کرمان، پیاده‌راهی وجود ندارد. کیفیت پیاده‌روها در اکثر نقاط نازل و بعضاً متوسط است.
- ۲. پیوستگی مسیر پیاده‌روها/ پیاده‌راه‌ها: در هیچ کجای شهر معابر پیاده دارای پیوستگی لازم نمی‌باشد.
- ۳. توجه به وضعیت معلولین، کودکان و سالخورده‌گان: علی‌رغم مطالعات و تحقیقاتی که در زمینه تسهیل حضور و عبور معلولین، کودکان و سالخورده‌گان در کرمان صورت پذیرفته، لیکن کاربست آن هنوز اجرایی نشده است.
- ۴. دعوت‌کنندگی ورودی/ ورودی‌های محله: می‌توان به جرأت گفت که پتانسیل تعریف ورودی برای محلات کرمان وجود دارد.
- ۵. به کار بستن نظام سلسله‌مراتبی در سازماندهی فضایی: شبکه معابر سواره در کرمان، دارای سلسله‌مراتب تقریباً منظم دسترسی است. اما بارگذاری‌های ناصحیحی که در سال‌های اخیر در برخی نقاط شهر؛ از جمله بافت کهن صورت پذیرفته، نظام حرکتی را بعداً با مشکل مواجه خواهد نمود.

۱۱-۱-۳- مؤلفه و بعد بصری (منظر عینی)

در رتبه‌بندی محلات شهر کرمان در مؤلفه بصری (منظر عینی)، محله محدوده بافت کهن رتبه اول، محله زریسف رتبه دوم، محله کوچه ماهانی رتبه سوم، محله (شهرک) شهید باهنر رتبه چهارم و محله هوشنگ مرادی کرمانی رتبه پنجم را به خود اختصاص داده است.

نتیجه می‌شود که در دوره معاصر؛ علیرغم ساخت و سازهای مدرن و پیشرو در شهر، هنوز چشم مردم و دل‌اندوهی‌های آن‌ها، به زیبایی‌های محلات سنتی است. این عمل از شهرسازی پیشرفته گذشتگان حکایت می‌کند؛ به گونه‌ای که معماری پیشرفته امروز نتوانسته در شهرسازی حل گردد.

محلات کرمان در موارد زیر (در این مؤلفه) با هم اشتراک دارند:

۱. دعوت‌کنندگی ورودی/ ورودی‌های محله: همان گونه که در بالا نیز آمد، در ورودی محلات کرمان، با ویژگی دعوت‌کنندگی‌ای که دارند، می‌توان دروازه‌های مناسبی تعریف نمود.

۲. توجه به عناصر شاخص طبیعی درون محله: توجه به زمینه‌های طبیعی در ساخت محلات شهر، مانند توپوگرافی، شیب، رون و غیره آن‌ها را زمینه‌گرا نموده است.

۳. وضعیت متوسط عرض قطعات و پلاک‌ها در محلات: از آن جایی که در فرهنگ مردمان کرمان، سکونت در منازل حیاطدار معروف است، لذا غالب ابنیه تا دوره پهلوی دوم و حتی اوایل دوره جمهوری اسلامی، به صورت حیاطدار و دانه‌بندی بزرگ یا متوسط بوده است. با رشد جمعیت و تغییر الگوی زندگی، دو دهه است که تراکم‌سازی در شهر رونق گرفته و در برخی مناطق، عرض قطعات کوچک شده است. حاشیه‌نشینی در کرمان و ایجاد قطعات کوچک در آن، مستثنی از سایر شهرهای ایران نمی‌باشد.

۱۱-۱-۴- مؤلفه و بعد ادراک (منظر ذهنی)

در رتبه‌بندی محلات شهر کرمان در مؤلفه ادراکی (منظر ذهنی)، محله محدوده بافت کهن رتبه اول، محله زریسف رتبه دوم، محله (شهرک) شهید باهنر رتبه سوم، محله کوچه ماهانی رتبه چهارم و محله هوشنگ مرادی کرمانی رتبه پنجم را به خود اختصاص داده است.

نتیجه می‌شود که در دوره معاصر؛ علیرغم ساخت و سازهای مدرن و پیشرو در شهر، هنوز محلات سنتی برای ساکنان آن خواناتر از محلات جدید است. این از رفت و آمد بیشتر پیاده ساکنان محلات قدیمی نسبت به مردمان ساکن در محلات جدید حکایت دارد. ارتباطات اجتماعی، توجه به پیرامون و حضور در مکان/ فضا نزد مردمان محلات سنتی بیش‌تر است. لذا فهم و درک از محیط برای آن‌ها آسان‌تر می‌باشد. اختلاف عددی میان خوانایی محلات کهن و جدید بسیار است. باز جای خالی شهرسازی در محلات جدید پررنگ می‌شود.

محلات کرمان در موارد زیر (در این مؤلفه) با هم اشتراک دارند:

۱. توجه به شاخص‌سازی نشانه‌های محلی: در محلات شهر اگر نشانه طبیعی یا مصنوعی وجود دارد، آن را بی‌اهمیت می‌پندارند؛ در حالی که می‌توان با شاخص‌سازی آن، به خوانایی محله کمک نمود.

۲. احساس مشترک جمعی در مکان: در محلات کرمان، احساسات مردم به پیرامون و محیط اطراف، خنثی است! دیگر مانند قدیم، عملاً کسی به کار کسی کار ندارد. حس همدردی، انسان دوستی، کمک و همیاری، احوال‌پرسی، رفت و آمد همسایه و غیره امروز از زندگی شهری محو شده است. هر چند باز شهر کرمان نسبت به برخی شهرهای بزرگ‌تر وضعیت بهتری دارد. علت آن به خاطر موارد زیر است:

مکان/ فضای شهری مناسبی برای بروز احساسات مشترک در محلات وجود ندارد.

حکومت وقت با برگزاری برخی دوره‌های مناسبی یا اجتماعی یا سیاسی مخالف است.

مردم نیز مانند گذشته آن حس و حال و توجه و معرفت و مرام را نداشته و از فعالیت‌های اجتماعی خویش کاسته‌اند.

۱۱-۱-۵- مؤلفه و بعد ریخت شناسی

در رتبه‌بندی محلات شهر کرمان در مؤلفه ریخت‌شناسی، محله محدوده بافت کهن رتبه اول، محله زریسف رتبه دوم، محله کوچه ماهانی رتبه سوم، محله (شهرک) شهید باهنر رتبه چهارم و محله هوشنگ مرادی کرمانی رتبه پنجم را به خود اختصاص داده است.

نتیجه می‌شود که ریخت محلات کهن، مناسبیت بیش‌تر و بهتری با زمینه خویش دارد و به قول معروف به خوبی در زمینه نشسته است. سرعت کم ساخت محلات در گذشته، فرصت تعمق بیش‌تری به معمار و شهرساز آن دوره می‌داده است. فن‌آوری امروز، اگر تنها به تقلید از غرب باشد، فایده‌ای ندارد. بایستی با عمق بیش‌تری از امکانات و طرح‌های امروزی، بهره جست و هویت کهن گذشته را نباید به باد فراموشی سپرد.

محلات کرمان در موارد زیر (در این مؤلفه) با هم اشتراک دارند:

۱. جهت‌گیری ابنیه؛ بر اساس رون کرمانی: به ضرس قاطع می‌توان ادعان نمود که جهت‌گیری ابنیه کهن و جدید شهر از رون کرمانی تبعیت می‌نمایند.

۲. وضعیت توده و فضا در هر یک از محلات: با در نظر گرفتن یا در نظر نگرفتن برخی موارد، می‌توان درصد میزان توده و فضا را در بافت محلات، یکنواخت دید. بدین معنا که در محلات جدید، با ساخت و ساز متراکم، فضای باز کم‌تری را در اختیار ساکنین قرار داده و متقابلاً بافت کهن نیز دارای ساخت و ساز متراکم است.

تعداد خانوار، بعد خانوار، وضعیت سواد، نسبت جنسی، هرم سنی و غیره در این پژوهش تعیین کننده بوده‌اند.
- محلات کرمان در موارد زیر (در این مؤلفه) با هم اشتراک دارند:

۱. مکان/ فضای شهری انجام فعالیت‌های ضروری را مهیا نموده است: عموماً عرصه‌های عمومی شهر، جلوه‌گاه فعالیت‌های ضروری مردم است. رفت و آمد، خرید، تفریح، گشت و گذار و غیره از نمونه‌های آن می‌باشد.
۲. آزادی فکر و اندیشه: در کرمان، مردم کم‌تر به فعالیت‌های اجتماعی می‌پردازند و بیش‌تر به زندگی خود توجه دارند. آن‌ها از زندگی، آرامش، سکوت و راحتی خیال می‌خواهند که در مواقعی این سکوت، به «سکون» انجامیده و آن رشد و تکاپویی را که در سایر شهرها مانند اصفهان سراغ است، در کرمان وجود ندارد. به همین علت است که کالبد شهر در دهه‌های ۶۰، ۷۰ و ۸۰، هیچ تغییر خاصی نکرده بود. اخیراً نسل جدید و تحصیل کرده کرمانی بر اساس فکر و اندیشه عمل می‌نماید و خواستار مطالبات جدیدی است.

۱۱-۱-۸- مؤلفه و بعد زیست بوم

- در رتبه‌بندی محلات شهر کرمان در مؤلفه زیست بوم، محله محدوده بافت کهن رتبه اول، محله زریسف رتبه دوم، محله کوچه ماهانی رتبه سوم، محله (شهرک) شهید باهنر رتبه چهارم و محله هوشنگ مرادی کرمانی رتبه پنجم را به خود اختصاص داده است.
- اصولاً گذشتگان ما، انسان‌های متوجه‌تر، دلسوزتر و آگاه‌تر نسبت به محیط زندگی، مراعات‌کننده‌تر و قانع‌تری بوده‌اند. اما اکنون مردمان خلاف ویژگی‌های مذکور را دنبال می‌کنند و از این لحاظ به محیط زیست خویش آسیب وارد می‌سازند.
- محلات کرمان در موارد زیر (در این مؤلفه) با هم اشتراک دارند:

۱. صرفه‌جویی در انرژی: حقیقتاً ما انسان‌های صرفه‌جویی نیستیم و راه و رسم گذشتگان خود را دنبال نکرده‌ایم. این اسراف در زمینه‌های دیگر چون آب، هوا و خاک نیز وجود دارد.
۲. کاهش آلودگی‌های محیطی (بصری): چنین موردی در محلات سنتی نیز به چشم می‌خورد. امروزه در سطح شهر، هر فردی به سلیقه شخصی عمل نموده و نماهای بنای خود را، تابلوی مغازه خود را، کف‌سازی راه خود را و غیره اجرا می‌نماید؛ بدون آن که مصلحت عمومی را در نظر بگیرد.
۳. توجه به معماری/ شهرسازی پایدار در محله: با نیازهایی که گذشتگان داشتند، معماری و شهرسازی پایداری را اجرا کرده‌اند. اما امروزه کسی آن چنان به معماری/ شهرسازی پایدار توجه ندارد. اجرای ساختمان‌های بلندمرتبه با هزینه‌های بالا در محلات مسکونی و نفوذ فعالیت‌های

اما، برخی محلات جدید، از جمله محلات شهید باهنر و هوشنگ مرادی در میانه خود دارای فضای باز عمومی مناسبی هستند. در محلات کهن نیز با تخریب ابنیه سنتی، زمینهای بایر فراوانی به چشم می‌خورد که پتانسیل استفاده بهینه از آن‌ها را به نفع عموم فراهم می‌نماید.

۱۱-۱-۶- مؤلفه و بعد زمان

- در رتبه‌بندی محلات شهر کرمان در مؤلفه زمانی، مجدداً محله محدوده بافت کهن رتبه اول، محله زریسف رتبه دوم، محله کوچه ماهانی رتبه سوم، محله (شهرک) شهید باهنر رتبه چهارم و محله هوشنگ مرادی کرمانی رتبه پنجم را به خود اختصاص داده است.
- نتیجه می‌شود که:

۱. محلات کهن دارای فضا، یا به عبارت صحیح‌تر، مکان‌های شهری (محلی) مناسب‌تری برای برگزاری مراسم و مناسبات نسبت به محلات جدید می‌باشند.
۲. عمر، کیفیت ساخت و ماندگاری کالبد در محلات کهن، بیش‌تر و بهتر است.
۳. جریان زندگی در بافت کهن، طبیعی‌تر، ساده‌تر و منظم‌تر است.
۴. بروز فعالیت‌های مذهبی در محلات قدیمی، بیش‌تر و بی‌ریاتر است.

۵. زمان و هویت تاریخی در محلات سنتی، عیان‌تر است.
- محلات کرمان در موارد زیر (در این مؤلفه) با هم اشتراک دارند:

۱. برقراری زندگی عادی مردم در طول سال: عموماً در شهر موردی نیست که به خاطرش زندگی عادی مردم مختل شود؛ چیزی که در شهری مانند تهران خلاف آن وجود دارد. مانند: آلودگی هوا، بارش برف، آتش‌سوزی ابنیه خاص، ریزش زمین، تشییع جنازه افراد سرشناس، تظاهرات مردمی، راهپیمایی‌های حکومتی و غیره.
- به همین علت، زمانی که به عنوان مثال در کرمان اندک برف یا بارانی ببارد، کل شهر تعطیل می‌شود و این تعطیلی به نشاط و سرزندگی مردم می‌افزاید.
۲. استقبال ساکنین از برگزاری مناسبات و آیین‌ها: مردم کرمان مانند سایر مردم شهرهای ایران، مشتاق برگزاری مناسبات و آیین‌های مذهبی، آیینی و ملی هستند.

۱۱-۱-۷- مؤلفه و بعد اجتماعی (و فرهنگی)

- در رتبه‌بندی محلات شهر کرمان در مؤلفه اجتماعی، محله (شهرک) شهید باهنر رتبه اول، محله هوشنگ مرادی کرمانی رتبه دوم، محله زریسف رتبه سوم، محدوده بافت کهن رتبه چهارم و محله کوچه ماهانی رتبه پنجم را به خود اختصاص داده است (شکل ۷).
- از آن جایی که امروزه، غالب ساکنین بافت سنتی شهر را افراد غیر ایرانی و غیربومی تشکیل داده‌اند، لذا اثرات سوء آن در فعالیت‌ها و بافت اجتماعی شهر عیان شده است.

تجاری شهری در کوچه پس کوچه‌های شهر، آن آسایش و آرامش گذشته را از ساکنان آن سلب نموده است.

۴. وجود عدالت در استفاده از کاربری‌های عمومی محلی؛ توسط ساکنان: از آن جایی که فضا/ مکان مناسبی آن‌چنان در تمامی محلات شهر (به جز استثنائاتی) برای استفاده عمومی وجود ندارد؛ هم‌چنین زمینه انجام فعالیت عمومی آن‌چنان فراهم نمی‌باشد، لذا "عدالت" واژه‌ای کم اثر و رنگ باخته است.

۱۱-۱-۹- مؤلفه بعد مدیریتی

در رتبه‌بندی محلات شهر کرمان در مؤلفه مدیریتی، محلات با فاصله‌های بسیار کم از هم، رتبه‌بندی شده‌اند. محدوده بافت کهن و محله زریسف مشترکاً رتبه اول شده، محله کوچه ماهانی رتبه سوم، محله (شهرک) شهید باهنر رتبه چهارم و محله هوشنگ مرادی کرمانی رتبه پنجم را به خود اختصاص داده است (شکل ۸).

مدیریت تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز در کرمان، چون از یک جا منشاء می‌گیرد، عملاً بروز و ظهور آن در سطح شهر یکسان می‌باشد. در جاهایی که مردم از مدیران حمایت کرده‌اند، تصمیم‌ها به سرانجام رسیده؛ وگرنه تصمیمات اگر هم بروزی داشته، مقطعی و کوتاه‌مدت بوده است.

محلات کرمان در موارد زیر (در این مؤلفه) با هم اشتراک دارند:

۱. وجود نمونه موفق از همکاری دولت و مردم در محله: این همکاری در سطح شهر متوسط و ضعیف بوده است.
۲. وجود دانش، تخصص و تجربه در مدیران: اخیراً و نسل اخیر اتفاقات بهتری در شهر دارد می‌افتد. مدیران سعی کرده‌اند ارتقاء علمی و تحصیلی داشته باشند و به حرف متخصصین شهری گوش دهند. بروز این‌ها در شهر دارد اتفاق می‌افتد.

۱۱-۱-۱۰- مؤلفه و بعد فضا

در رتبه‌بندی محلات شهر کرمان در مؤلفه فضایی، محدوده بافت کهن رتبه اول، محله کوچه ماهانی رتبه دوم، محله زریسف رتبه سوم، محله (شهرک) شهید باهنر

رتبه چهارم و محله هوشنگ مرادی کرمانی رتبه پنجم را به خود اختصاص داده است.

- توجه به بعد سوم و جزییات ساخت در محلات سنتی، موفقیت‌آمیزتر بوده است.

- در مطالعات و تجزیه و تحلیل محلات کرمان، این نتیجه حاصل می‌شود که عملاً این محلات در مؤلفه فضایی با هم اشتراکی ندارند! در تراکم ساختمانی، اگر منظور فشردگی بافت باشد، این مهم صحیح است و محلات کرمان عموماً -غیر از مجتمع‌های آپارتمانی- فشرده ساخته شده‌اند. اما اگر منظور از تراکم ساختمانی، افزایش افسار گسیخته و بی‌قانون طبقات باشد، این مهم، برای مدیران ظاهراً غیر مهم تلقی شده است و در تمام سطح شهر تراکم‌فروشی مشاهده می‌گردد.

۱۱-۱-۱۱- مؤلفه و بعد شهود

در رتبه‌بندی محلات شهر کرمان در مؤلفه شهودی، محله محدوده بافت کهن رتبه اول، محله زریسف رتبه دوم، محله کوچه ماهانی رتبه سوم، محله (شهرک) شهید باهنر رتبه چهارم و محله هوشنگ مرادی کرمانی رتبه پنجم را به خود اختصاص داده است (شکل ۹).

- وحدت کامل را می‌توان در محلات سنتی دید؛ زیبایی را هم‌چنین، گرانبهایی را، شگفتی و هیجان را می‌شود هنوز در گذرهای بسته و باز محلات قدیمی جستجو کرد. حس کنجکاو و روح مکاشفه در همین محلات هم‌چنان وجود دارد و غیره عناصر و اجزای چندگانه بافت کهن به گونه‌ای سحرانگیز با یکدیگر ادغام شده‌اند.

محلات کرمان در موارد زیر (در این مؤلفه) با هم اشتراک دارند:

۱. وجود محله، ارزشمند است: از آن جا که هر محله، مأوی ساکنان آن جهت استراحت و زندگی است، وجود محلات شهر کرمان، فی‌نفسه ارزشمند است.
۲. فعالیت‌ها در محله، سازگار و مناسب است: در بالا هم ذکر شد که فعالیت ناسازگار و ناهمخوان، کم‌تر در محلات کرمان وجود دارد.

جدول ۲: رتبه‌بندی ساختار فضایی محلات شهر کرمان بر اساس روش «تحلیل موضوعی»

نام مؤلفه، نمایان‌گر یا بُعد محدود	نام محله/محدوده	محدوده بافت کهن	محله زریسف	محله کوچه ماهانی	محله (شهرک) شهید باهنر	محله هوشنگ مرادی کرمانی
عملکردی	۳	۴	۵	۱	۲	
دسترسی	۲	۱	۴	۳	۵	
بصری (منظر عینی)	۱	۲	۳	۴	۵	
ادراکی (منظر ذهنی)	۱	۲	۴	۳	۵	
ریخت‌شناسی	۱	۲	۳	۴	۵	

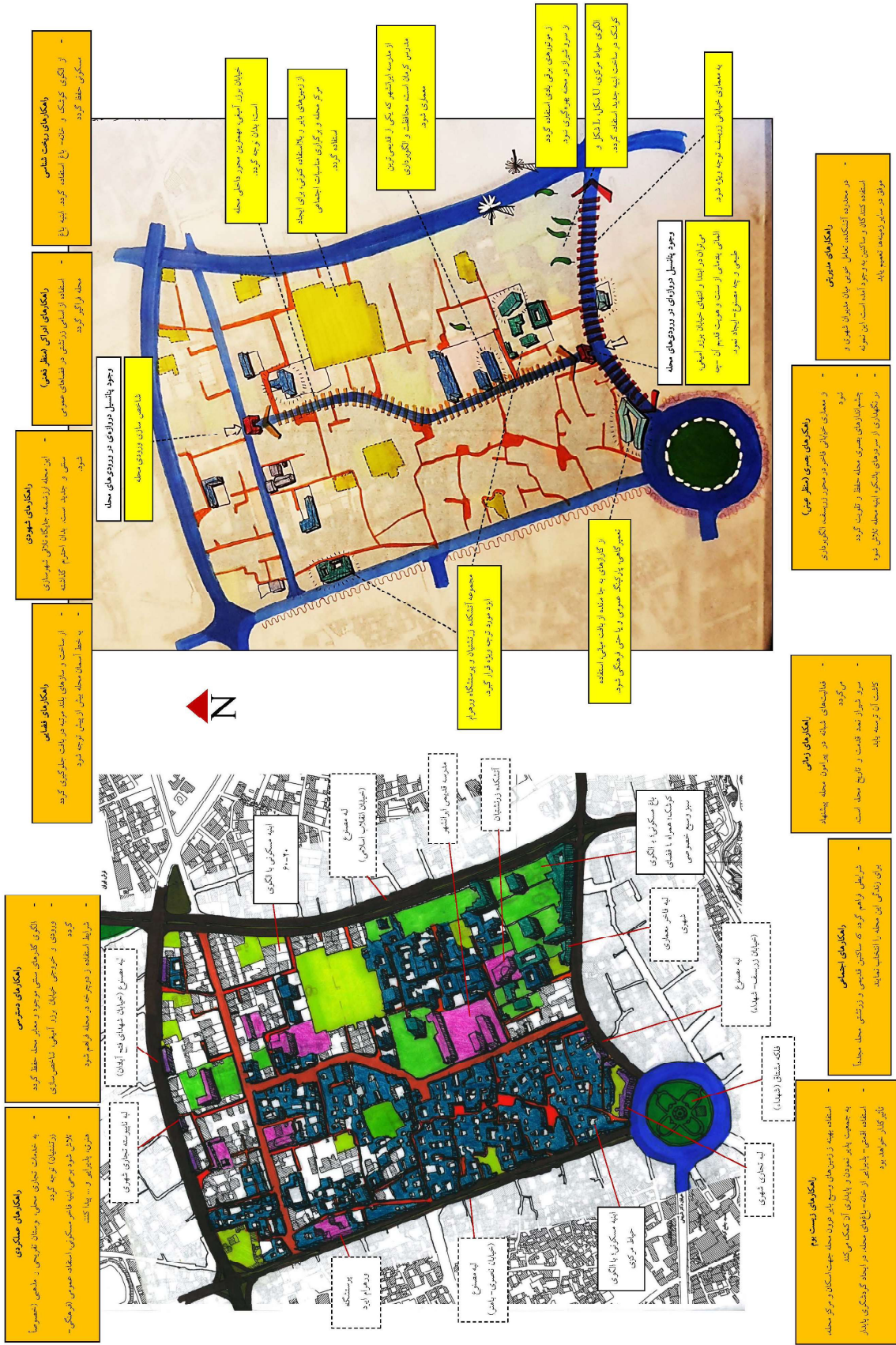
نام مؤلفه، نماینگر یا بُعد	نام محله/ محدوده	محدوده بافت کهن	محله زریسف	محله کوچه ماهانی	محله (شهرک) شهید باهنر	محله هوشنگ مرادی کرمانی
زمانی	۱	۲	۳	۴	۵	
اجتماعی	۴	۳	۵	۱	۲	
زیست بوم	۱	۲	۳	۴	۵	
مدیریتی	۱	۱	۳	۴	۵	
فضایی	۱	۳	۲	۴	۵	
شهودی	۱	۲	۳	۴	۵	
تعداد کسب رتبه نخست؛ بر اساس فراوانی داده‌ها	۸	۲	۰	۲	۰	
رتبه‌بندی ساختار فضایی محلات کرمان	۱	۲	۴	۳	۵	

- محلات کوچه ماهانی و هوشنگ مرادی کرمانی، در هیچ یک از مؤلفه‌های ساختار فضایی، رتبه برتر را کسب نمودند. از آن جایی که محله کوچه ماهانی رتبه متوسط بیش‌تری نسبت به محله هوشنگ مرادی کرمانی داشت، حائز رتبه چهارم شده و محله هوشنگ مرادی کرمانی رتبه پنجم را کسب نمود (شکل ۱۰).

- محدوده بافت کهن شهر کرمان با هشت بار کسب رتبه نخست، دارای ساختار فضایی مناسب‌تری نسبت به سایر محلات شهر تشخیص داده شد.

- محله زریسف و محله (شهرک) شهید باهنر، مشترکاً دو بار رتبه نخست را کسب نمودند؛ اما محله زریسف با کسب شش بار رتبه دوم، در جایگاه دوم ساختار فضایی محلات کرمان قرار گرفت و محله (شهرک) شهید باهنر، سوم شد.

شکل ۸: ساختار فضایی محله زیرسف کرمان- بافت میانی

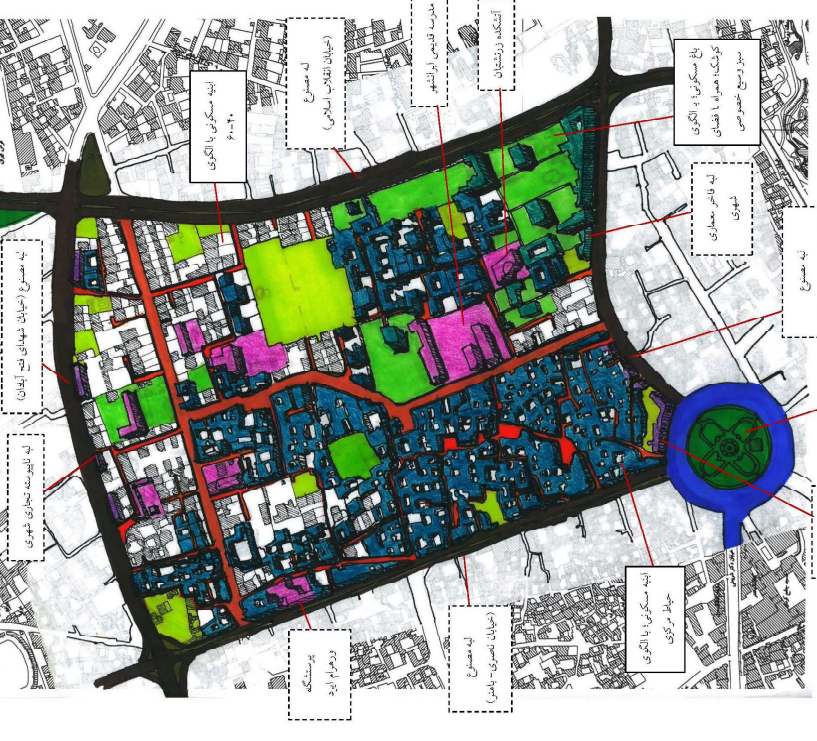


معماری و شهرسازی آرمان‌شهر

شماره ۳۹، تابستان ۱۴۰۱

نکته‌های معماری:

- در طراحی معماری، توجه به اصول معماری و شهرسازی است.
- استفاده از مصالح مناسب و مقاوم در برابر شرایط آب و هوایی محله.
- توجه به زیبایی‌شناسی و هماهنگی بافت با محیط اطراف.
- ایجاد فضاهای سبز و پارک‌ها در کنار واحدهای مسکونی.
- توجه به اصول ایمنی و دسترسی آسان به خدمات شهری.



نکته‌های معماری:

- در طراحی معماری، توجه به اصول معماری و شهرسازی است.
- استفاده از مصالح مناسب و مقاوم در برابر شرایط آب و هوایی محله.
- توجه به زیبایی‌شناسی و هماهنگی بافت با محیط اطراف.
- ایجاد فضاهای سبز و پارک‌ها در کنار واحدهای مسکونی.
- توجه به اصول ایمنی و دسترسی آسان به خدمات شهری.

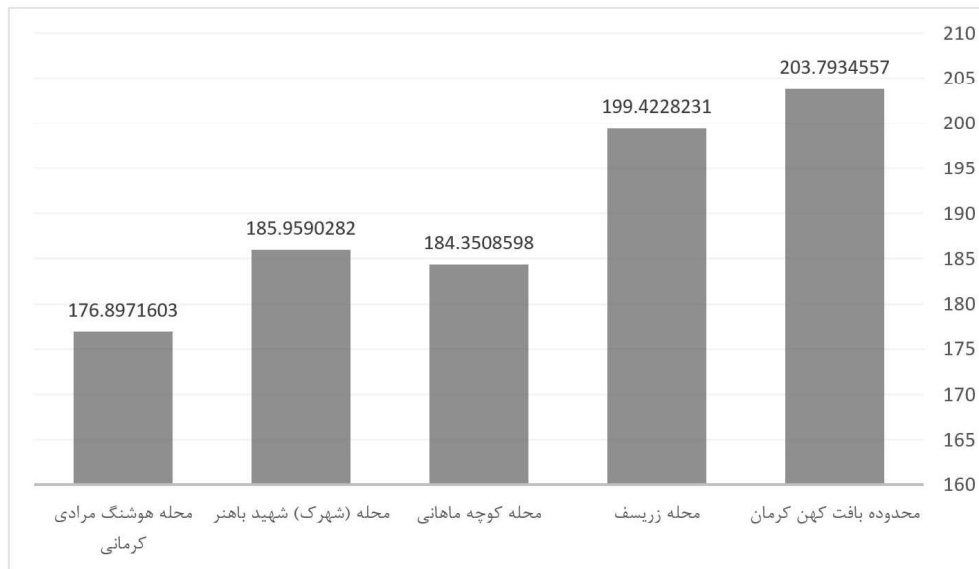
۱۱-۲- یافته‌های تکنیک تحلیل سلسله مراتبی^۵ (AHP)
 آن‌ها؛ ناشی از پرسش‌نامه مردمی و مدیران شهری که در بخش قبل ارائه شد.
 ۲. در رتبه‌بندی ساختار فضایی محلات شهر کرمان که نتایج آن به صورت ذیل است.

از تکنیک تحلیل سلسله مراتبی (AHP) در دو بخش بهره‌گیری شده است:
 ۱. در وزن‌دهی مؤلفه‌های ساختار فضایی و اولویت‌بندی

جدول ۳: رتبه‌بندی ساختار فضایی محلات شهر کرمان بر اساس تکنیک «AHP»

رتبه‌بندی ساختار فضایی محلات کرمان	امتیاز هر محله / محدوده	نام محله / محدوده
۱	۲۰۳/۷۹۳۵	محدوده بافت کهن کرمان
۲	۱۹۹/۴۲۲۸	محله زریسف
۴	۱۸۴/۳۵۰۹	محله کوچه ماهانی
۳	۱۸۵/۹۵۹	محله (شهرک) شهید باهنر
۵	۱۷۶/۸۹۷۲	محله هوشنگ مرادی کرمانی

شکل ۱۱: رتبه‌بندی ساختار فضایی محلات شهر کرمان بر اساس تکنیک «AHP»



- بر همین اساس، محلات منتخب شهر کرمان نیز خود را در این دسته‌بندی قرار دادند.
 معیارهای مورد نظر نمایانگرهای طراحی شهری در دو قالب کیفی و کمی مورد دسته‌بندی و تحلیل قرار گرفته است.

- نتیجه رتبه‌بندی ساختار فضایی محلات شهر کرمان بر اساس تکنیک AHP نیز مشابه نتیجه رتبه‌بندی روش «تحلیل موضوعی» شده است.
 - بدین ترتیب مفاهیم ساختار فضایی در بافت کهن شهر، بیش‌تر جاری و ساری شده است.
 - هم‌چنین هرچه به زمان جدیدتر و اخیر مراجعه می‌کنیم، ساختار فضایی محلات از کیفیت نازل‌تری برخوردار می‌گردند.

۱۱-۳- یافته‌های تکنیک تحلیل عاملی^۶

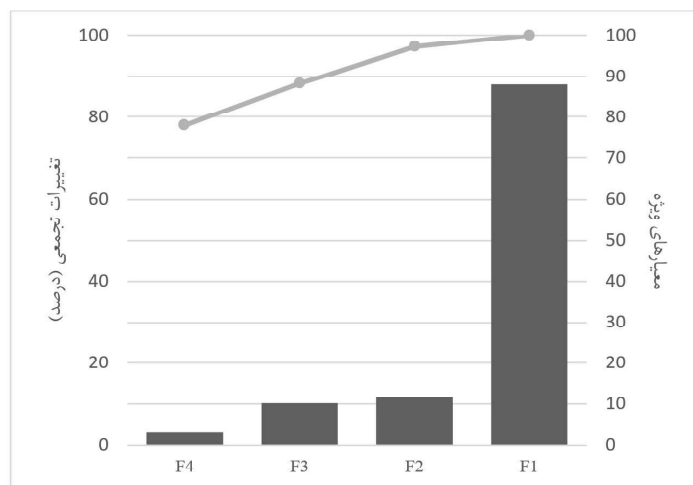
- بهره‌گیری از تکنیک تحلیل عاملی نشان می‌دهد که معیارهای کیفی و کمی ارائه شده با همدیگر وابستگی دارند و در چهار دسته‌بندی قرار گرفتند.

جدول ۴: تعیین ارزش‌های کیفی ویژه

تعیین ارزش‌های کیفی ویژه	F1 (ساخت مکان)	F2 (ایجاد شخصیت مکان)	F3 (زمینه‌گرایی)	F4 (توجه به حمل و نقل عمومی)
معیارهای ویژه ^۷	۸۸.۰۳۲	۱۱.۵۷۹	۱۰.۱۴۷	۳.۲۴۱
میزان تغییرات ^۸ (درصد)	۷۷.۹۰۵	۱۰.۲۴۷	۸.۹۸۰	۲.۸۶۸
تغییرات تجمعی ^۹ (درصد)	۷۷.۹۰۵	۸۸.۱۵۲	۹۷.۱۳۲	۱۰۰.۰۰۰

از میان شاخص‌ها و معیارهای کیفی مولفه‌های طراحی یک گروه قرار گرفته و با دیگران مقایسه شده‌اند. شهری، آن‌هایی که دارای ارزش‌های مشترک بودند، در

شکل ۱۲: تعیین معیارهای کیفی ویژه

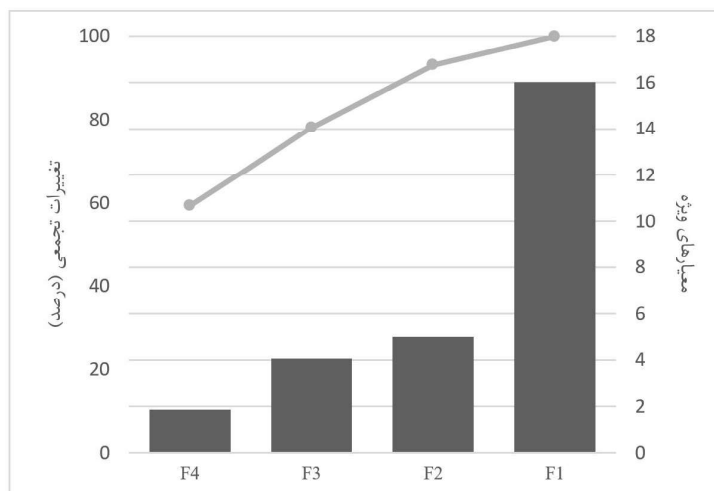


جدول ۵: تعیین ارزش‌های کمی ویژه

تعیین ارزش‌های کیفی ویژه	F1 (توجه به آمار)	F2 (تناسب اشغال مکان و فضا)	F3 (توجه به کاربری اراضی)	F4 (توجه به زمینه و ریخت)
معیارهای ویژه	۱۶.۰۱۹	۵.۰۴۰	۴.۰۷۲	۱.۸۶۹
میزان تغییرات (درصد)	۵۹.۳۳۱	۱۸.۶۶۸	۱۵.۰۸۱	۶.۹۲۱
تغییرات تجمعی (درصد)	۵۹.۳۳۱	۷۷.۹۹۸	۹۳.۰۷۹	۱۰۰.۰۰۰

از میان شاخص‌ها و معیارهای کمی مولفه‌های طراحی یک گروه قرار گرفته و با دیگران مقایسه شده‌اند. شهری، آن‌هایی که دارای ارزش‌های مشترک بودند، در

شکل ۱۳: تعیین معیارهای کمی ویژه



فضایی دارای «وابستگی» بودند، لذا نتایج تجزیه و تحلیل‌ها بر اساس تکنیک «ANP» نیز به صورت ذیل انجام پذیرفت.

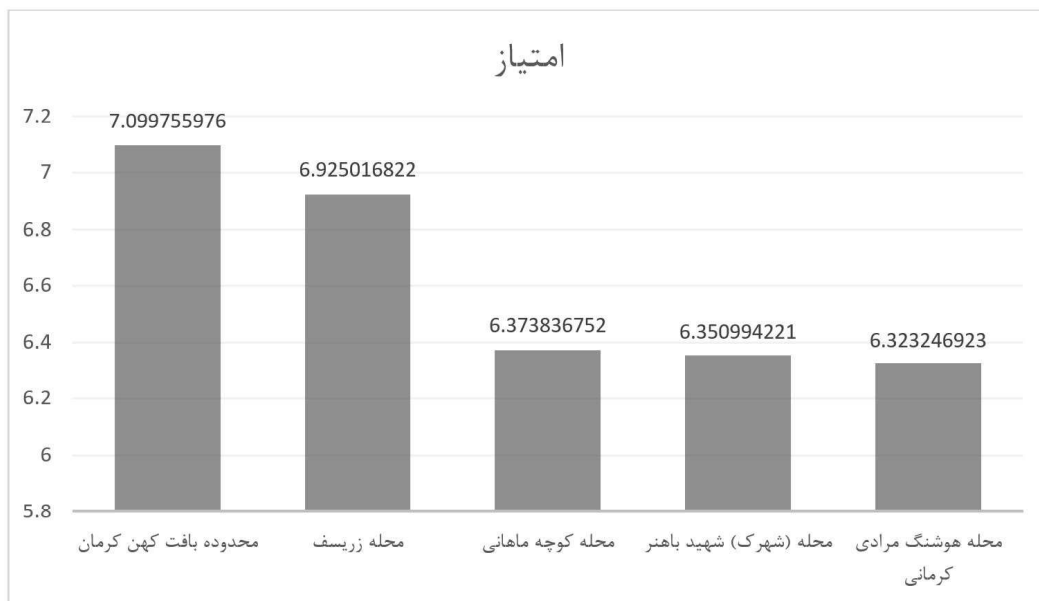
۱۱-۴- یافته‌های تکنیک ANP^{۱۰}

با آن که تجزیه و تحلیل‌ها بر اساس تکنیک AHP انجام شد، اما چون معیارها و سنجه‌های مؤلفه‌های ساختار

جدول ۶: رتبه‌بندی ساختار فضایی محلات شهر کرمان بر اساس تکنیک «ANP»

نام محله/محدوده	امتیاز هر محله/محدوده	رتبه‌بندی ساختار فضایی محلات کرمان
محدوده بافت کهن کرمان	۷.۰۹۹۷۵۵۹۷۶۱۷۶۴۲	۱
محله زریسف	۶.۹۲۵۰۱۶۸۲۱۷۷۷۸۱	۲
محله کوچه ماهانی	۶.۳۷۳۸۳۶۷۵۲۳۱۴۹۵	۴
محله (شهرک) شهید باهنر	۶.۳۵۰۹۹۴۲۲۱۳۱۴۷	۳
محله هوشنگ مرادی کرمانی	۶.۳۲۳۲۴۶۹۲۳۲۸۶۰۶	۵

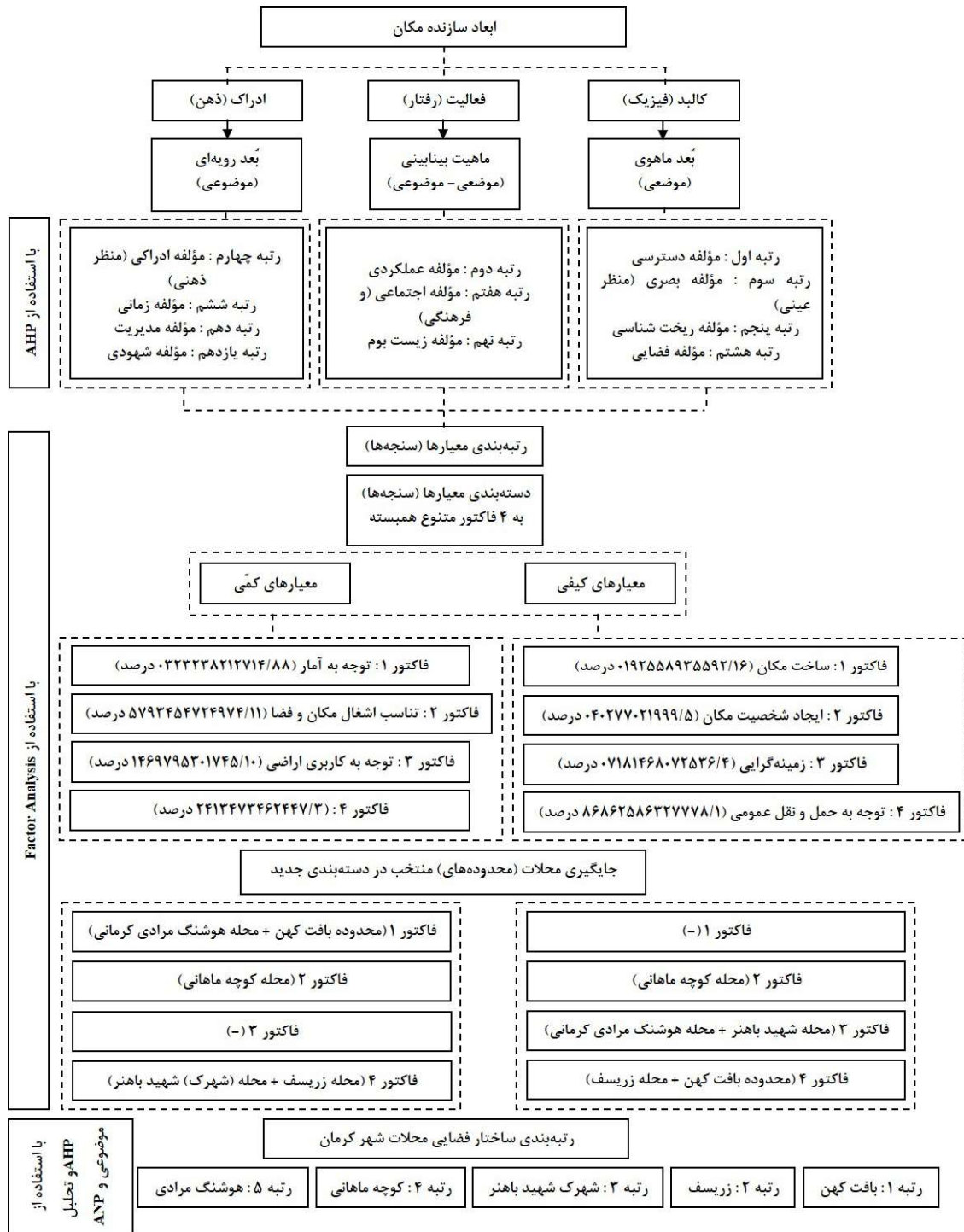
شکل ۱۴: رتبه‌بندی ساختار فضایی محلات شهر کرمان بر اساس تکنیک «ANP»



- با این رتبه‌بندی، مشخص شد که عموماً ساختار فضایی محلات درونی شهر کرمان، از انسجام بهتر و بیش‌تری نسبت به محلات میانی؛ همچنین محلات میانی از وضعیت مناسب‌تری نسبت به محلات پیرامونی و جدید شهر برخوردارند.

- نتیجه رتبه‌بندی ساختار فضایی محلات شهر کرمان بر اساس تکنیک ANP تقریباً مشابه با نتایج رتبه‌بندی روش «تحلیل موضوعی» و «AHP» شده است. با این تفاوت که رتبه محله کوچه ماهانی که در رتبه چهارم بود، با اختلافی ناچیز به رتبه سوم و جای محله (شهرک) شهید باهنر تغییر پیدا کرده است.

شکل ۱۵: فرآیند یافته‌های پژوهش



۱۲. جمع‌بندی

۱. آموزه‌هایی که از کرمان به دست آمده عبارت است از:
- در طرح ساختار فضایی محلات شهر، روابط متقابل عقل و منطق در کنار ادراک ذهنی و زیبایی‌شناسی - به صورت توأمان - مورد نیاز می‌باشد.

- در ساخت شهر و محلات آن، صرفاً تخصص و دانش و رعایت اصول برنامه‌ریزانه شهرسازی و معماری کفایت نمی‌کند. در کنار این موارد مهم، «حس درونی ساکنین، روحیه و مشارکت مردم، رجوع به حس زیبایی‌شناسانه و غیره» نیز می‌توانند همان راهی که شهرسازان و معماران

مکتب نرفته گذشته به درستی طی نموده‌اند را به زبان امروز برای ما شناسایی کنند.

- برخی محلات میانی شهر کرمان که در گذشته حتی خارج از حصار تاریخی شهر استقرار داشته‌اند، از همان دوره قاجاریه بناهای زیبای مسکونی (با الگوی حیاط مرکزی و سردرهای فاخر)، فرهنگی (کتابخانه عمومی)، تجهیزات شهری (حمام‌های عمومی)، مقابر (سید جعفر اولیاء، امام جمعه قدیمی شهر و مشتاق علیشاه) و مذهبی (تکیه‌های زیبا و مساجد سنتی) در آن احداث شده است. چنین مجموعه‌هایی برای یک محله غنیمت است و موجب «وحدت ساختاری» در آن شده است. لذا اهمیت به این مجموعه‌های ارزشمند توصیه می‌گردد.

- هم‌چنین این محلات، جایگاه ملاقات شهرسازی و معماری سنتی (کهن) با شهرسازی و معماری مدرن (نو) است. این ملاقات در حال حاضر به صورت سازش‌گرانه‌ای وجود دارد. می‌توان از دستاوردهای معمارانه و شهرسازانه این محلات در ساخت محلات جدید بهره‌گیری نمود.

- محلات بافت کهن کرمان، دارای وحدت رویه می‌باشند و یک «کل واحد» اند. اگر بخشی از آن تخریب گردد، به مانند آن است که به قلب یا دست و پای آن چاقو زده شده است؛ لذا از پای درمی‌آید. به یگانگی و بی‌همتایی بافت ایمان آوریم و آن را جراحی نکنیم.

- «کالبد» بافت، جسم آن است و «فعالیت‌ها» در بافت، روح آن. پس بافت کهن دارای ثنویت است. جسم و روح بافت کهن، کالبد و فعالیت‌های جاری در آن است. هر یک اگر دچار نقص شوند، بیماری به بافت سرایت کرده است. راهکار آن به ترتیب «توسازی و بهسازی» است.

- اجزای محلات بافت کهن دارای تنوع و تکثر است. بافت

از عناصر و عوامل گوناگون تشکیل شده که هر یک از اجزا از هم تأثیر گرفته و بر دیگری اثرگذار است. بافت کهن، یک کل در هم پیچیده است؛ لذا دارای تکثرگرایی است. برای رفع مشکلات بافت، بایستی چند بعدی بدان نگاه کرد و همه جوانب را در نظر گرفت.

۲. بستر افقی زمین، کدهای ارتفاعی، شیب و توپوگرافی محلات شهر، مرزهای تعریف شده یا عرفی محلات، مسیر هدایت قنوات شهر، شرایطی را برای ایجاد مکان‌های عمومی کهن و فضاهای شهری نو فراهم نموده است.

۳. مکان‌های عمومی کهن و فضاهای شهری نو در شهرهای ایران نقشی انکارناپذیر در شکل‌گیری بخش مهمی از ساختار کالبدی- فضایی محلات آن دارند.

بستر محلات شهری نیز در استقرار مکان‌ها/ فضاهای عمومی تأثیرگذار می‌باشند.

۴. "تبیین ساختار و بافت فضایی محلات شهرهای ایران نیازمند توجه به لایه‌های گوناگون نمایان‌گرهای طراحی شهری (به عنوان چتر حمایتی بر موضوعات شهرسازانه) (موضوع محور) و عناصر سازنده ساختار (موضوع محور) به صورت جامع و همه‌جانبه نگر است."

آن چه در این پژوهش آمده، سندی است موجز از اهم آن چه که در طراحی شهری اتفاق می‌افتد و ابزاری است برای هدفی که آن را دنبال می‌کند؛ و آن چیزی جز ارتقاء کیفیت زندگی همگانی برای انسان‌ها نمی‌باشد. با این سند، مطالعات پیرامون کالبد و فضا، ساختار اجتماعی و رفتاری و نیز مورفولوژی زیستی شهرهای ایران تسهیل شده و تجزیه و تحلیل و راهکارهای آن نیز در همین چارچوب قابل دسته‌بندی و ارائه می‌باشد.

پی‌نوشت

1. Space

2. Place

۳. کل به معنای مجموعه‌ای هماهنگ و هدفمند است که تحت قوانین و ضوابط خاص، اجزای مجموعه را در پیوندی متقابل و دائمی با یکدیگر قرار می‌دهد.

4. Triangulation

5. Analytic Hierarchy Process (AHP)

6. Factor Analysis

7. Eigenvalue

8. Variability

9. Cumulative

10. Analytical Network Process (ANP)

فهرست منابع

- الکساندر، کریستوفر، و سرج چرمایف. ۱۹۶۳. *عرصه‌های زندگی جمعی و زندگی خصوصی*. ترجمه منوچهر مزینتی. ۱۳۷۳. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- حمیدی، ملیحه، رضا سیروس صبری، محسن حبیبی، و جواد سلیمی. ۱۳۷۶. *استخوان‌بندی شهر تهران، جلد اول: بررسی مفاهیم و نمونه‌ها (ایران- جهان)*. تهران: سازمان مشاور فنی و مهندسی شهر تهران.
- شیعه، اسماعیل. ۱۳۸۶. *جزوه درس مبانی برنامه ریزی شهری: درباره سازمان فضایی*. کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه علم و صنعت ایران، دانشکده معماری و شهرسازی.
- عباس‌زادگان، مصطفی. ۱۳۸۶. *جزوه درس روشهای طراحی شهری ۱: درباره استخوان‌بندی شهر*. کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه علم و صنعت ایران، دانشکده معماری و شهرسازی.
- مدنی‌پور، علی. ۱۳۷۹. *طراحی فضای شهری*. تهران: شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری.
- ملک عباسی، سلمان. ۱۳۹۸. *تبیین ساختار فضایی بافت شهر (با تأکید بر آموزه‌هایی از کرمان)*. تهران: انتشارات آذرخش.
- ملک عباسی، سلمان. ۱۳۹۹. *تبیین الگوی ساختار فضایی محلات: مبتنی بر روابط متقابل فضایی مکانهای عمومی کهن و فضاهای شهری نو-مورد کاوی شهر کرمان*. رساله دکتری رشته شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده هنر و معماری.
- ملک عباسی، سلمان. ۱۴۰۰. *از شار تا درآیگاه (مطالعات و راهنمای طراحی نما و فضاهای ورودی ابنیه کرمان)*. کرمان: انتشارات فرهنگ عامه
- نقی‌زاده، محمد. ۱۳۹۲. *تحلیل و طراحی فضای شهری (مبانی، تعاریف، معیارها و شیوه‌ها)*. تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
- Matthew, Carmona, Gallent Nick, and Carmona Sarah. 2001. *Working Together: A Guide for Planners and Housing Providers*. London: Thomas Telford.
- <https://tabriz.airport.ir/documents/1788195/3042520/parking.jpg/40b3c86e-2612-421b-9caa-5986137a89b1?t=1487055457714>. 2017
- https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/e/e8/CARS_WERE_JAMMED_EVEN_MORE_THAN_USUAL_INTO_EVERY_SPARE_SPACE_AT_A_DOWNTOWN_COMMERCIAL_PARKING_LOT_DURING_A_BUS_STRIKE..._-_NARA_-_556722.jpg. 2017

نحوه ارجاع به این مقاله

ملک عباسی، سلمان، و آراز مرادی مسیحی، مصطفی بهزادفر، و آتوسا مدیری. ۱۴۰۱. تبیین ساختار فضایی بافت محلات شهر، با نگاهی به شهر کرمان. نشریه معماری و شهرسازی آرمان شهر ۱۵(۳۹): ۲۰۱-۲۲۵.

DOI: 10.22034/AAUD.2019.185039.1877

URL: http://www.armanshahrjournal.com/article_158074.html



COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Armanshahr Architecture & Urban Development Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License.

<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

